

میثم بانو

میثم بانو از جمله استعدادهای فوتبال مازندران بود که فوتبال را از تیم بازیکن ساز شמושک آغاز کرد و میثاقیان او را به تیم بزرگسالان شמושک آورد. در ۱۷ سالگی که ستاره شמושک در لیگ بود به تیم امید دعوت شد. در همان زمان رباط صلیبی پاره کرد و یک سال خانه نشین شد اما آنقدر با استعداد بود که قلعه نویی در سال ۸۳ او را به استقلال بیاورد. جالب اینکه نخستین بازی اش برای استقلال را در دربی انجام داد و ستاره زمین شد. بعد از ۲ فصل درخشان از استقلال به الشبাব امارات رفت. کرانچار در الشبাব مربی او بود. بعد از رفتن کرانچار مربی جدید در تیم تحولات زیادی ایجاد کرد و بانو اخراج شد. مجدد او به ایران بازگشت و در لیگ هفتم بار دیگر زیر نظر میثاقیان این بار در راه آهن مشغول به کار شد. با اتمام لیگ هفتم با میثاقیان از راه آهن رفت و پیراهن ابومسلم را پوشید. در لیگ هشتم با پیراهن شماره ۸ ستاره ابومسلم شد. در آن سال ۱۱ گل زد و ۱۰ پاس گل داد تا علی دایی او را به تیم ملی دعوت کند. با آنکه دوست داشت به استقلال بازگردد اما نتوانست در برابر و سوسه پول مقاومت کند و در لیگ نهم پیراهن رقیب یعنی پرسپولیس را پوشید. یک انتخاب عجیب که البته ناکام بود و بعد از یک سال ناکامی در پرسپولیس او به شهرداری تبریز پیوست و ۲ فصل خوب را با شهرداری گذراند تا دوباره پس از ۶ سال در لیگ دوازدهم به استقلال بازگردد. بعد از یک فصل بازی در استقلال به تبریز رفت تا تراکتوری شود. استقلال خوزستان و نساجی تیم های بعدی بانو بودند که البته در آنها توفیقی نداشت تا آرام آرام فراموش شود. باین وجود ابتلایش به بیماری کرونا در سال جاری نام او را دوباره سر زبان ها انداخت.



حسین ابراهیمی

حسین ابراهیمی فوتبال را از زادگاهش و از تیم های نوجوانان و جوانان پگاه آغاز کرد و به اندازه ای با استعداد بود که خیلی زود چهره شد. او در ۱۷ سالگی فرصت بازی با تیم پگاه در لیگ برتر را به دست آورد، سپس به داماش منتقل شد و برای سربازی یک نیم فصل به ملوان رفت.

و پس از سربازی به داماش برگشت. با این وجود اضمحلال دو تیم ریشه دار و قدیمی فوتبال گیلان یعنی داماش و ملوان سبب شد تا ابراهیمی مجبور به ترک زادگاهش شده و درست بعد از این کوچ اجباری، خانه به دوشی او شروع شد به طوری که هر فصل یک جا بود. نفت، فولاد و ماشین سازی تیم های بعدی او بودند اما با صعود سپیدرود به لیگ برتر ابراهیمی دوباره به زادگاهش بازگشت تا در سال ۹۶ این بار پیراهن دیگر قطب ریشه دار خطه گیلان را بر تن کند. دو فصل پرفراز و نشیب و سقوط سپیدرود دوباره ابراهیمی را وادار به مهاجرت کرد و او این بار به جنوب رفت تا پیراهن نفت مسجد سلیمان را بر تن کند.

ابراهیمی سابقه حضور در تیم های جوانان و امید ایران را در کارنامه دارد و در سال ۲۰۰۸ با پیراهن تیم ملی بزرگسالان به مقام قهرمانی رقابت های غرب آسیا دست یافت.



ایوب کلانتری

ایوب کلانتری هافبک دفاعی قلدر اما بی حاشیه شیرازی فوتبال ایران سرنوشتی شبیه به شهرام گودرزی دارد. او فوتبال را از زادگاهش شیراز و باشگاه فجر سپاسی آغاز کرد اما با اضمحلال این باشگاه دوست داشتنی چاره ای جز مهاجرت نداشت. فولاد، صبا، گسترش فولاد، تراکتور، سیاه جامگان، سایپا، سپیدرود و استقلال خوزستان تیم های او در این سال ها بوده اند. بیشترین ثبات و درخشش کلانتری در این سال ها در فولاد و تراکتور بود که با این دو تیم در لیگ قهرمانان آسیا نیز بازی کرد. هر چند به سیاق رفیق نزدیکش شهرام گودرزی بیش از یک سال در هیچ تیمی دوام نیاورد. او بعد از تقریباً یک دهه کوچ و جابه جایی بین تیم های بزرگ به شیراز بازگشته و در لیگ یک دوباره پیراهن تیم سابقش را بر تن می کند.



فرزاد حاتمی

کاپیتان تیم مارکوپولوهای ایران اوست. مهاجم بلند بالا و زنجانی فوتبال ایران که تقریباً در تمامی فوتبال ایران بازی کرده و دور ایران را زده است! این مهاجم ۱۹۲ سانتیمتری، فوتبالش را در سال ۸۵ از جوانان فجر سپاسی شروع کرد و پس از یک فصل بازی در این باشگاه به تیم بزرگسالان راه آهن پیوست. وی در راه آهن کمتر توفیقی داشت و نتوانست در ۱۹ بازی برای این تیم گلزنی کند. فرزاد برای ادامه فوتبالش در سال ۸۷ راهی آذربایجان شد و به تیم قبله پیوست و در ۲۲ بازی برای این تیم ۸ گل به ثمر رساند. پس از گذراندن یک فصل موفق در آذربایجان، او مجدداً به ایران بازگشت و به سپاهان ملحق شد. در اولین فصل حضورش در سپاهان ۲۱ بازی انجام داد و ۳ گل هم به ثمر رساند و به قهرمانی لیگ برتر رسید. پس از آن در فصل ۸۹-۸۸ به صورت قرضی راهی صبا شد و در ۲۱ بازی ۷ گل زد تا دوباره به سپاهان بازگردد اما این بازگشت نافرجام بود چرا که فقط ۲ بازی برای زردها انجام داد تا راهی تراکتور شود و دو فصل در تبریز بازی کند. ۳۰ بازی و ۸ گل کارنامه حاتمی در تبریز بود تا برای نیم فصل دوم لیگ یازدهم به استقلال بپیاید. فصلی که شاید موفق ترین فصل حاتمی بود چرا که با آبی ها قهرمان لیگ شد. تجربه بعدی حاتمی باشگاه فولاد بود که پس از نیم فصل بازی در فولاد برای لیگ سیزدهم به پرسپولیس پیوست تا حضور در قطب دیگر پایتخت را هم تجربه کند اما این تجربه موفقی نبود و پس از آن به مس پیوست، سپس به لیگ یک رفت و در ملوان و اکسین بازی کرد و در این بین یک بار دیگر پیراهن تراکتور را نیز به تن زد. پس از صعود پارس جنوبی جم به لیگ برتر، حاتمی به این تیم بوشهری ملحق شد و پس از یک فصل بازی راهی نفت مسجد سلیمان شد اما با تار مار مربی این تیم به مشکل خورد و در نیم فصل جدا شده و حالا با بادران در لیگ یک توپ می زند و به نظر می رسد به این زودی ها قصد باز نشستگی ندارد! او یک دوره نیز توسط کارلوس کی روش به تیم ملی دعوت شد.



محمد غلامی

دیگر مهاجم تیم مارکوپولوهای فوتبال ایران از خطه گیلان است و جالب اینکه او نیز همانند زوجش فرزاد حاتمی یک مارکوپولوی تمام عیار محسوب می شود! غلامی فوتبال را از تالش و باشگاه نوستالژیک چوکا آغاز کرد و پس از دو فصل بازی در این تیم به قطب فوتبال شمال یعنی ملوان پیوست و در قوی سپید انزلی برای خود نامی دست و پا کرد. در خشانترین دوره و دیرپاترین حضور غلامی در یک باشگاه به همین ملوان مربوط می شود؛ جایی که ۵ سال برای انزلی چی ها بازی کرد. بعد از تضعیف ملوان، غلامی مثل بقیه ستاره های این تیم از انزلی کوچ کرد و این آغاز در به دری های مهاجم با استعداد فوتبال ایران بود. پاس تهران و همدان، استیل آذین، داماش، سپاهان، راه آهن، پیکان، پدیده، استقلال اهواز، خونه به خونه، گل گهر، سپیدرود، آلومینیوم اراک و قشقایی دیگر تیم های غلامی در این یک دهه و اندی بودند تا غلامی یک دور کامل تمام ایران را بزند! هر چند عمر حضور او در برخی از آنها حتی به یک نیم فصل هم نرسیده. او حالا پیراهن داماش در لیگ یک را بر تن می کند و ظاهراً همانند زوجش فرزاد حاتمی قصد خداحافظی از فوتبال را ندارد! او اولین بار توسط افشین قطبی به تیم ملی فوتبال ایران دعوت شد و در جام ملت های آسیا ۲۰۱۱ قطر در ترکیب تیم ملی به میدان رفت.



میلاد نوری

میلاد نوری هافبک با استعدادی بود اما بیشتر از اینکه در فوتبال استعداد داشته باشد، در کوچ و جابه جایی بین تیم ها استعداد داشت! در حالی که پیش بینی می شد او یکی از ستاره های درخشان فوتبال ایران باشد اما هیچ وقت عاقبت بخیر نشد و همیشه در بین تیم های لیگ برتری سرگردان است. او فوتبال را از تیم های پایه پرسپولیس آغاز کرد و با توجه به استعداد فراوان در سال ۸۲ فولادی ها او را جذب کردند. بعد از دو فصل بازی در فولاد، به استیل آذین رفت اما با سقوط استیل آذین او دیگر همانند یک مسافر، هر فصل در یک تیم حضور داشت. استقلال، ابومسلم، استقلال اهواز، صبا، راه آهن، پیکان، استقلال، سیاه جامگان، خونه به خونه، نجف عراق و ماشین سازی دیگر تیم های نوری در این یک دهه بودند؛ یعنی ۱۱ تیم در ۹ سال! نوری در سال گذشته حتی لیونز هم شد و به عنوان نخستین ایرانی به عراق رفت تا در لیگ این کشور بازی کند. او ابتدا با الزورا قرارداد امضا کرد اما به محض رسیدن به عراق تغییر مسیر داد و به الشرطه رفت تا در کشور همسایه نیز سنت خانه به دوشی را حفظ کرده باشد! جالب اینکه عمر حضور او در عراق به ۶ ماه هم نرسید و او دوباره به ایران بازگشت و حالا پیراهن ماشین سازی را بر تن می کند. او سابقه حضور در تیم امید ایران را دارد و البته کارلوس کی روش نیز در سال ۹۱ او را به تیم ملی دعوت کرد.

